

آزادلیق، عدالت، ملی حکومت

جنبش فدرال دموکرات آذربایجان در کنار مردم ایران و آذربایجان خواهان برچیده شدن بساط رژیم جمهوری اسلامی و برپائی جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال ایران است

همانگونه که انتظار می رفت مردم لب بجان رسیده ی کشور در اعتراض به ادامه ی غارتگری ها و دزدیهای سیستم مافیائی، بحرانهای زیست محیطی، اجتماعی و از بین رفتن ارزش پول ملی دگر بار خیابانهای شهرهای کوچک و بزرگ کشور را به تصرف خود در آوردند و خواهان بر چیده شدن رژیم خونریز و غارتگر حاکم شدند. اینبار بیش از همه اقشار و طبقات فرودست و بشدت فقیر جامعه هستند که خواهان رفتن این رژیم هستند. دورانی که رژیم اسلامی با تکیه به اقشار حاشیه نشین بساط رویای ایجاد امپراطوری شیعه را داشت، بسر آمده و کار بجائی رسیده است که بازار به عنوان ستون فقرات رژیم پرچم مخالفت فعال با رژیم را برافراشته است. جواب رژیم اینبار نیز گلوله، دستگیریهای فله ای، زندان و شکنجه است.

رژیم اسلامی حاکم که سالهاست هر گونه ندای حق طلبی آذربایجانیان را با شکنجه و زندان پاسخ داده است و به شیوه ی مرضیه و مورد پسند همیشگی اش مدتهای متمادی همیشه چندین نفر از زندانیان سیاسی و فعالین ملی حرکت ملی- دموکراتیک آذربایجان را در حبس نگاه داشته و از زندانی به زندان دیگر تبعید و حبس کش کرده است، چند هفته قبل در یورشهای تازه سیزده فعال ملی آذربایجانی را در بیدادگاه اسلامی تبریز مجموعاً به هشتاد و نه سال زندان محکوم کرد و هنوز مرکب حکم زندان برای سیزده فعال ملی آذربایجان خشک نشده بود که دستگیری و شکنجه ی معترضین اخیر در شهرهای آذربایجان شروع شد. در چرخه ی جدید خشونت، تا به امروز دهها و دهها نفر از مردم معترض توسط گزندگان تا به دندان مسلح رژیم کشته و صدها نفر زخمی و هزاران نفر دستگیر شده اند و حاکمین اسلامی هر روز با تهدیدات جدیدی سعی در ترساندن مردم لب بجان رسیده می کنند، غافل از اینکه جمعیت ملیونی معترض دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند.

کشتار و آزار مردم لب بجان رسیده را متوقف کنید!...
زندانیان سیاسی و فعالین ملی آذربایجانی را آزاد کنید!...
رژیم شما رفتنی است.

ترفند تازه ی رژیم حاکم برای سرکوب مردم جان به لب رسیده همانند رژیم شاه «تروریست هائی» هستند که توسط نیروهای خارجی بسیج و اعزام شده اند. همچنین رژیم با ترس از قیام توده ای شروع به جمع آوری امضاهای جعلی از استادان دانشگاه و ترتیب دادن نمایش های دولتی نموده و با نمایش دادن خرابیهای ناشی از زد و خوردهای خیابانی سعی در نامشروع جلوه دادن حرکت مردم می نماید. رژیم شاه نیز چنین بود و بعد از قیام بیست و نهم بهمن تبریز با ترتیب دادن نمایش های تهوع آور در تبریز سعی در چسباندن حرکت مردم تبریز به نیروهای «آنور مرز» نمود. همان روزها بود که شاعر مردمی آذربایجانی سرود:

"بؤیوک ستارخان اوپانیپ، سلطنت قانا بویانیپ، وقارلی داغ تک دایانیپ، سنویندی آغ اولدو اوزو، بهمن ین ایگیرمی دوققوزو؛

دئییشلر یالاندی، یالاندی، خارجه لی دئییل اینان، تبریزلیدی کی قویدو جان، وطن اوغروندا اؤزو، بهمن ین ایگیرمی دوققوزو؛"

(دگر باره زنده شد ستارخان، سلطنت در خورش غلطان شد، همانند کوه پر وقاری ایستاده، سربلند و خندان شد، بیست و نهم بهمن؛

باور نکن، دروغ است دروغ، بیگانه ای در کار نیست، اینکه برای وطن جان می سپارد، خود تبریز است، بیست و نهم بهمن؛)

ترفند دیگر رژیم دخالت نیروهای خارجی در قیام مردم است. اگر امروز امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی و رژیم کودک کش اسرائیل سعی در حقنه کردن رژیم استبدادی دیگری به مردم ایران می کنند، این نیز نتیجه ی سیاست های ابلهانه و خانمانسوز چهل و شش ساله ی دولت های حاکم بر کشور است. فقط ابله ی چون علی خامنه ای و اطرافیانش می توانند تصور بکنند که کشوری با قد و قواره و امکانات محدودی چون ایران می تواند تا ابد با کشورهائی به مراتب قوی تر و با قدرت و قابلیت های بی پایان دست و پنجه نرم کند.

در این روزهای حساس تاریخی که کشتار شهروندان عاصی و مردم گرسنه در حال سوق دادن کشور به مرز جنگ داخلی است، جنبش فدرال دموکرات آذربایجان در کنار دیگر ملت های ساکن در کشور با مواضع روشن و طلبات به حق ملت آذربایجان خواهان بر چیده شدن بساط قرون وسطائی و مافیائی حاکم در کشور و برپائی جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال می باشد.

تاریخ معاصر ملت ترک آذربایجان به گواهی جنبش های مشروطیت، آزادیستان و حکومت ملی تحت رهبری جعفر پیشه وری تاریخ نبرد برای آزادی، دموکراسی، سکولاریزم و حق تعیین سرنوشت برای آذربایجانیها بوده است. مبارزه ی امروزی زنان و مردان آذربایجانی در خیابانهای شهرهای آذربایجان نیز ادامه ی همان کوششها برای ایجاد جامعه ای عادل و آزاد است.

در این کوششهای خونبار ملت ترک آذربایجان همیشه مرزبندی روشن و قاطعی با نیروهای واپسگرای ارتجاعی، مذهبی و طرفدار سلطنت داشته و امروزه نیز به گواهی شعارهای مردم در تبریز و ارومیه و اردبیل و شهرهای دیگر آذربایجان همینگونه است. در این روزهای سرنوشت ساز ملت ترک آذربایجان هر گونه دخالت کشورهای خارجی برای تحمیل رژیم مورد پسند قدرتهای امپریالیستی را محکوم می کند و با تمام امکانات در مقابل چنین نقشه هائی - که نتیجه اش چیزی جز شروع جنگ داخلی و بجان هم افتادن ملت های ساکن ایران نیست - خواهد ایستاد.

با برچیده شدن بساط رژیم مافیائی اسلامی حاکم باید جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال با قوانینی مبتنی بر حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی ایجاد شود. در این جمهوری یکبار برای همیشه باید به فعال مایشائی «تهران» پایان داده شود و با ایجاد دولتهای محلی فدرال با اختیارات وسیع راه رشد و شکوفائی ملت ترک آذربایجان و دیگر ملل غیر فارس باز شود. در این جمهوری باید زبان رسمی واحد لغو و زبانهای ترکی آذربایجانی، کردی، عربی، بلوچی و ترکمنی در کنار زبان فارسی به عنوان زبان آموزش و پرورش و زبان رسمی دولتهای محلی و دولت فدرال مرکزی به رسمیت شناخته شوند. در جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال ایران باید قوانین تبعیض آمیز اسلامی علیه زنان، دگراندیشان و دگر باشان جنسی ملغی و برابری حقوقی زنان و مردان به رسمیت شناخته شود.

در این جمهوری باید آزادی بیان، اندیشه و تشکل به رسمیت شناخته شود. همچنین با به رسمیت شناخته شدن آزادی وجدان و پایان دادن به تحمیل دین رسمی، شهروندان در اجرای مناسک مذهبی دلخواه خود آزاد باشند. جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال ایران باید کشوری بدون قانون اعدام باشد. جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال ایران باید کشور صلح و دوستی بین ملل ساکن ایران بشود. این جمهوری باید منادی دوستی بین ملل و بخصوص کشورهای همسایه

باشد.

جنبش فدرال دموکرات آذربایجان در کنار مردم ایران و آذربایجان خواهان برچیده شدن
بساط رژیم جمهوری اسلامی و برپائی جمهوری دموکراتیک سکولار فدرال ایران است.
آزادلیق، عدالت، ملی حکومت!...
جنبش فدرال دموکرات آذربایجان
بیستم دی ماه هزار و چهارصد و چهار شمسی
دهم ژانویه هزار و بیست و شش میلادی